

گفت‌وگو با یوسی پیلکانن مدیر بخش اروپا و خاورمیانه موسسه کریستی

در منطقه خلیج فارس همه مدعی هستند

—موسسه کریستی امسال نهمین حراج خود را در دویی برپا کرد. این حراج را چطور دیدید؟

به نظر من حراج امسال خیلی خوب بود. بسیاری از کارهای معاصر، کارهای اندیشمندانه و خلاق بود که هنوز فروش نرفته‌اند. از جمله اتفاقات خوب، فروش کار محمود سعید به قیمت ۲/۵ میلیون دلار بود. فروش تابلوی محمد احصایی هم دیگر اتفاق مهم این حراج بود. باید بگویم بسیاری از آثار ایرانیان به طور استثنایی خوب بودند. از جمله می‌توان به آثار بعضی از هنرمندان جوان ایرانی در این حراج اشاره کرد.

—آیا دلیل خاصی برای افزایش قیمت آثار عرب‌ها در این دوره وجود داشت؟

بله. آثار هنرمندان عرب کارهای خوبی بوده و وقتی به چند دوره اخیر حراج نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم آثار آنها با افزایش رو به رشد قیمت مواجه بوده است. متقاضیان بهترین آثار فروشرفته در این حراج را متقاضیان خارج از منطقه تشکیل می‌دهند و آنها عمدتاً متقاضیان بهترین آثار جهانی هستند. به نظر می‌رسد علاقه بین‌المللی به آثار هنرمندان خاورمیانه و خصوصاً ایرانی‌ها و عرب‌ها رو به رشد است و این موضوع خیلی مهمی است؛ زیرا بسیاری از این هنرمندان طی دهه‌های گذشته فرصت ارائه آثار خود به صورت جهانی را نداشته‌اند. این بسیار ارزشمند است که آثار آنها مورد تحسین و توجه کلکسیونرهایی از آمریکا، اروپا و سایر نقاط دنیا قرار گرفته است. بسیاری از آثار هنرمندان عرب که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خریداری شده بود مجدداً به خاورمیانه برگشت. کلکسیونرهایی از ایتالیا، دانمارک، آمریکا و سایر نقاط جهان، این آثار را در این حراج به فروش رساندند.

—یعنی شما آثار عرب‌ها را بر آثار هنرمندان ایران ترجیح می‌دهید؟

نه، این‌طور نیست. موضوع ارجحیت بین این دو مطرح نیست. آثار ایرانیان بسیار ارزشمند است. آثار هنرمندان کلاسیکی مانند تاولی و زنده‌رودی یا جوانانی چون مشیری از شهرت جهانی برخوردار است. بدون شک آثار ایرانیان از آثار پرفروش در جهان محسوب می‌شود و هنرمندان بسیار مستعدی از این کشور برمی‌خیزند.

—بر اساس گزارش اخیر نشریه فایننشال تایمز، دولت قطر خود را مدعی پیشتازی فرهنگی خلیج‌فارس خوانده است و برنامه‌هایی برای خرید آثار از حراج کریستی برای پر کردن موزه‌های خود دارد...

به نظر می‌رسد همه در خلیج فارس مدعی این هستند. قطر دارای موزه‌های زیبا و اسالری است.

—آیا کریستی هیچ گونه درخواست رسمی از قطر در خصوص خرید آثار هنری برای موزه‌های خود داشته است؟

خب باید بگویم ما هیچ اطلاعاتی در خصوص خرید و فروش‌هایمان ارائه نمی‌کنیم. —اما این موضوعی است که در نشریه فایننشال تایمز به آن اشاره شده است... اما ما در خصوص خریدها و فروش‌ها اطلاعات خاصی نمی‌دهیم.

—آیا شما این را تأیید می‌کنید که دولت قطر چنین پیشنهادی داشته‌است؟

ما در خصوص این موضوع نیز نمی‌توانیم صحبتی کنیم.

—با توجه به نوسانات بازارهای جهانی، به نظر شما آیا می‌توان آینده خوبی را برای آثار هنری منطقه تصور بود؟

کریستی فروش آثار هنری را از لندن در سال ۱۷۶۶ آغاز کرد و البته هنوز هم در لندن این کار صورت می‌گیرد. ما حتی در سال ۱۹۷۷ هم در نیویورک آثار هنری را ارائه کردیم و هنوز هم در نیویورک فروش آثار هنری صورت می‌گیرد. در دهه ۷۰ در ژنو نیز این کار صورت گرفت. من کاملاً معتقدم همکاران من در کریستی به بازار منطقه خاورمیانه تا حد امکان رو خواهند



نام یوسی پیلکانن اول بار با چکش زدن اثری از کلود مونه در سال ۱۹۹۵ به مبلغ هفت میلیون پوند به عنوان یک حراج‌گذار مطرح سر زبان‌ها افتاد. او دو سال بعد، اثری از گوستاو کلیمت را ۱۳/۲ میلیون پوند چکش زد که به شهرت او افزود. در سال ۲۰۰۱ هم شاهکاری از بل سزان را ۱۲/۱ میلیون پوند به فروش رساند که حاکی از توانایی‌های خاص این کارشناس و حراج‌گذار هنری است. پیلکانن در اصل متخصص هنر قرون ۱۹ و ۲۰ خصوصاً هنرمندان امپرسیونیست و مدرن است؛ با این حال شناخت او از هنر ایرانی و جهان عرب تا آن حد است که به گفته خود آثار هنرمندان این

خطه را به دقت دنبال می‌کند و حتی بنابر شغل خود از جا و مکان نگهداری برخی شاهکارهای هنری اطلاع دارد. پیلکانن معمولاً در حراج‌هایی که موسسه کریستی در دویی برپا می‌کند حراج‌گذار اصلی است. او با توانایی و مهارت خاص خود در اداره سالن حراج، شعبه دویی را به یکی از موفق‌ترین شعبات موسسه کریستی در سراسر جهان تبدیل کرده است.

وی قبل از پیوستنش به موسسه کریستی در سال ۱۹۸۷ در دانشگاه آکسفورد ادبیات می‌خواند. وقتی به کریستی پیوست، به عنوان مسئول دیپارتمان هنر امپرسیونیسم برگزیده شد و همان زمان تمام کارهای پیکاسو به این قیمت به فروش می‌رود. همه آثار هنری با هم متفاوت هستند. —پس به نظر شما این مسائل طبیعی است؟

به نظر من هر چیزی منحصر به فرد و خاص خودش است. این یک موضوع کلیدی است. آثار هنری هم از آنجا که مربوط به هنرمندان مختلف است نمی‌توان ارزش خاصی برای آن در نظر گرفت.

—امسال همچون دوره قبل، تعدادی آثار از مجموعه دکتر محمدسعید فارسی در حراج عرضه شد که شاهد فروش ۱۰۰درصدی این آثار بودیم. چه شده که موسسه کریستی در این دوره چنین سرمایه‌گذاری‌ای روی مجموعه دکتر فارسی انجام داده است؟

مجموعه دکتر فارسی، یک مجموعه منحصر به فرد است که دربردارنده آثار هنرمندان مصری است. می‌دانید که دکتر محمدسعید فارسی تحصیلات خود را در دانشگاه اسکندریه مصر به اتمام رسانده. او یک خصوصیت بسیار مهم دارد و آن، انتخاب صحیح آثار هنرمندان است. وی به خوبی می‌داند چه اثری را از چه هنرمندی انتخاب کند و نتیجتاً تبدیل به یکی از بهترین مجموعه‌داران دنیا شده است. فارسی با بسیاری از هنرمندان روابط دوستانه‌ای دارد. شما وقتی بهترین‌ها را خریداری کنید همیشه بهترین فروش را خواهید داشت. هم در حراج ۲۷ آوریل و هم در حراج ۲۶ اکتبر ۲۰۱۰ ما شاهد رقابت موزه‌داران و مجموعه‌داران بخش خصوصی در زمینه خرید آثار مجموعه دکتر فارسی بودیم. مجموعه دکتر فارسی نماینده هنر قرن بیستم مصر است. در میان آثار این مجموعه، آثار محمود سعید پدر هنر معاصر مصر بسیار مورد توجه قرار گرفت و رکورددار این حراج شد. در حراج‌های آینده هم آثار دیگری از سعید و سایر هنرمندان مصر به فروش گذاشته خواهد شد.

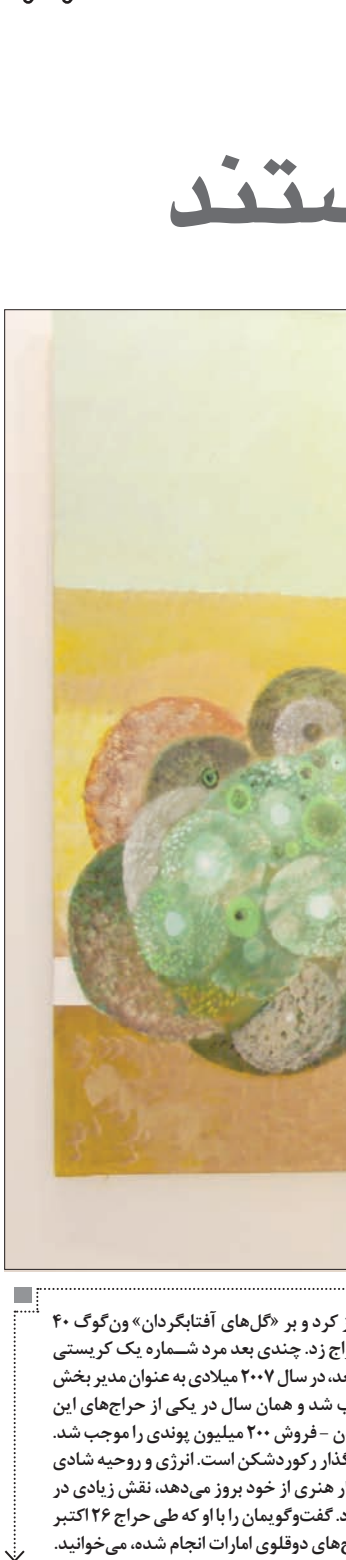
—یعنی شما ارجحیتی برای کارهای هنرمندان عرب مخصوصاً کلکسیون دکتر فارسی قائل نیستید؟

نه به هیچ وجه. اینجا در کریستی بحث بازاریابی مطرح است. این آثار، آثار باشکوهی است و قابل مقایسه نیست. هم هنرمندان ایرانی و هم هنرمندان مصری آثار باشکوه و مجللی دارند.

—امسال برآورد آثار ایرانی‌ها و عرب‌ها تقریباً در یک حد و اندازه بود، اما برآورد آثار هنرمندان ترک را پایین آوردید. این امر دلیل خاصی داشت؟

این امر به سیاست‌های مقطعی ما برمی‌گردد و هر موسسه حراج برای خود راهکارها و تدابیری دارد. باید بگویم حراج ۲۶ اکتبر یکی از موفق‌ترین فروش‌های ما و نتیجه آن فوق‌العاده چشمگیر بود. تا به حال قیمت‌ها

سال پنجم ■ شماره ۱۱۰۶ ■ یکشنبه ۱۶ آبان ۱۳۸۹ ■



کار حراج‌گذاری را آغاز کرد و بر «گل‌های آفتابگردان» ون گوگ ۴۰ میلیون دلار چکش حراج زد. چندی بعد مرد شماره یک کریستی لقب گرفت. او ۲۰ سال بعد، در سال ۲۰۰۷ میلادی به عنوان مدیر بخش اروپای کریستی انتخاب شد و همان سال در یکی از حراج‌های این موسسه –حراج در لندن– فروش ۲۰۰ میلیون پوندی را موجب شد. او به راستی یک حراج‌گذار رکوردشکن است. انرژی و روحیه شادی که در لحظات حراج آثار هنری از خود بروز می‌دهد، نقش زیادی در این رکوردشکنی‌ها دارد. گفت‌وگویمان را با او که طی حراج ۲۶ اکتبر (چهارم آبان‌ماه) در برج‌های دولوی امارات انجام شده، می‌خوانید.

آنجا هم کاملاً جدی بودم، چون محیط حراج جدیت را می‌طلبد. من حراج‌های بزرگی را چکش زده‌ام. بیش از یک دهه تجربه حراج دارم. با آثاری از پیکاسو، ون گوگ، سزان، بیکن و فروید که هر کدام‌شان حدود ۵۰ میلیون دلار فروخته شده‌اند در چنین فضایی و با چنین حجم مبادله‌ای، همه چیز جدی می‌شود. اما در حراج دویی همه چیز در آغاز است. من هم این را می‌دانم. اما اینجا خوشحالم وقتی می‌بینم ایده‌ای که چهار سال پیش داشتیم خوب جواب داده است؛ چون هنرمندان خوب کار کردند. ولی اینکه چسرا در مقابل خبرنگاران جدی صحبت می‌کنم، به این علت است که کریستی یک شرکت جدی است که می‌خواهد بهترین کار را ارائه دهد. شاید شما به عنوان خبرنگار خبر این حراج را به عنوان یک سرگرمی پوشش دهید، اما اگر صاحب یک اثر باشید باید منتظر آن لحظه‌ای شوید که مثلاً در عرض ۶۰ ثانیه قیمت کالای شما بالا می‌رود یا نه. این مسالهای بسیار جدی است. در زمان حراج باید کمی هم به فکر حاضران و بینندگان دیگر بود. به یاد داشته باشید که حراج هنگ‌کنگ حدود ۷۰ سال طول کشید تا به یک حراج جدی تبدیل شود. من احساس خودم را بیان می‌کنم، آن هم با تجربه شخصی‌ام طی چندین سال برگزاری حراج‌های مختلف. رشد هنرهای مدرن در این حوزه (خاورمیانه) بسیار غالی است. اما زمان بیشتری لازم دارد تا موزه‌های جهان هم درگیر رویدادهای خاورمیانه شوند. وقت می‌برد تا حراج دویی به لحاظ مالی درک شود اما مد درصدم مطمئن هستم که آینده خوبی در انتظار حراج دویی خواهد بود. خیلی لذت‌بخش بود.

— موقعیت آثار هنری ایران را چگونه می‌بینید؟ با توجه به فروش خوب آثار در این حراج و حراج‌های قبلی؟

ما یک رکورد خوب فروش در مجسمه‌سازی داشتیم. منظرم فروش ۲/۸ میلیون دلاری مجسمه تاولی است. تاولی یک مجسمه‌ساز بسیار بسیار بزرگ است. شاید در آینده بسیاری از مجسمه‌سازان منطقه الگوهای خود را با این هنرمند تطبیق دهند.

—آیا ما مجدداً آثاری از کلکسیون دکتر فارسی را شاهد خواهیم بود؟

این آثار احتمالاً در پاریس دوباره به نمایش گذاشته خواهد شد.

— چرا شما برای بار دیگر می‌خواهید این کارها را بنمایش بگذارید؟

چون صد درصد کار درستی می‌کنیم! —آینده را چگونه می‌بینید؟

به نظر من آینده بهتر خواهد بود و قطعاً شاهد آثار بهتر و موفق‌تری خواهیم بود.

ایمان پاکتهد گفت‌وگو با زهرا مداح به بهانه نمایشگاه نقاشی در خانه هنرمندان

درد دل‌هایم را نقاشی می‌کنم

سومین نمایشگاه انفرادی نقاشی‌های زهرا مداح چندی پیش در نگارخانه میرمیران خانه هنرمندان برگزار شد. این نمایشگاه شامل ۲۲ تابلو به شیوه کلاژ بود. او در آثارش نگاهی ویژه به معضلات زندگی اجتماعی زنان در ایران دارد. قرار است زهرا مداح همین آثار را سال آینده در سوئد به نمایش بگذارد. با او درباره این نمایشگاه و نگاهش به هنر به گفت‌وگو نشستیم.

—خانم مداح به نظر می‌رسد در این نمایشگاه رویکرد متفاوت‌تری را نسبت به نمایشگاه‌های پیشین اختیار کرده‌اید.

این نمایشگاه در ادامه کارهای قبلی‌ام پیش می‌رود. در واقع همه کارهایم به نوعی با هم در ارتباط هستند. البته این ارتباط به موضوع‌هایی برمی‌گردد که به طور روزمره در جامعه می‌بینم. حالا ممکن است این اتفاقات آزارم دهند و دوست داشته باشم آنها را تغییر دهم. البته نمایشگاه قبلی‌ام با موضوع طبیعت بود، اگرچه به لحاظ موضوعی با دیگر کارهایم متفاوت بود اما نگاهی انتقادی به نحوه برخورد ما انسان‌ها با طبیعت و تلنگری بود برای بازنگری در رابطه‌مان با طبیعت.

— به نظر می‌رسد در این نمایشگاه به معضلات اجتماعی مر تبیط با زنان با دید کلی‌تری برخورد کرده‌اید. این طور نیست؟

بیشتر نگاهی متعصبانه روی موضوع زنان و فشارهای اجتماعی آنها داشتم. یعنی ممکن بود همه چیز و همه کس را در این فشارها مقصر بدانم. اما این دفعه سعی کردم بی‌طرفانه‌تر برخورد کنم و کلی‌تر و شاید عمیق‌تر نقش این فشارها را بررسی کنم و در کارهایم نشان دهم.

—در آثار پیشین‌تان صرافاً از رنگ و بوم استفاده کرده بودید. اما این بار موادی که استفاده کرده‌اید متفاوت است. در این باره توضیح می‌دهید؟

این دفعه کلاژ را روی بوم آورده‌ام. ترکیبی از عکس و نقاشی است و البته عکس‌ها را هم خودم گرفته‌ام. در برخی از کارها از عکس‌ها کمک گرفته‌ام تا به فضای مورد نظرم برسم. اما در برخی از کارها ترجیح دادم عکس‌ها بیشتر خودنمایی کنند. نمی‌توان این نمایشگاه را نمایشگاه عکس نامید. چراکه برخی نشانه‌ها را وارد کار کرده‌ام که در کنار عکس‌ها معنا پیدا می‌کنند.

—آیا نگاهتان در این پروژه با رویکرد خاصی همراه بوده یا مجموعه‌ای از تابلوها را با نگاهی آزادتر کنار هم چیده‌اید؟

کلاً وقتی عکاسی می‌کنم از آن اول می‌دانم که قرار است چه کاری با عکس بکنم و معمولاً عکس‌هایم را با دید نقاشانه می‌گیرم. همیشه هم سعی می‌کنم مفهوم مورد نظر خودم را در عکس‌ها پیاده کنم. اما موارد معهودی هم بوده که عکس‌ها را اتفاقی گرفته‌ام و بعدها از آنها استفاده کرده‌ام.

—با در نظر گرفتن این رویکرد، در برخی از کارهایتان نشانه‌هایی مثل یادداشت و نوشته دیده می‌شود که شاید به کلی ربطی به سؤزه ندارد. در این مورد هم توضیح می‌دهید؟

نمی‌توان گفت نوشته‌ها ربطی به سؤزه‌ها ندارد. اما خیلی برایم مهم نبود که قابلیت خوانده شدن داشته باشند یا نه. در واقع نوعی درد دل‌های مرتبط با جامعه است که در کلیت با سؤزه هم در ارتباط است. این نوشتار گاهی در قالب نقش و ایجاد بافت استفاده شده‌اند.

— فیگورها چطور؟

همیشه این دغدغه را داشته‌ام که یک نقاش باید دست قوی‌ای داشته باشد و فیگور را خوب بکشد و آناتومی را بشناسد. همیشه هم این موضوع را رعایت می‌کردم. فکر می‌کردم باید قدرت دست من در نقاشی به مخاطب نشان داده شود. اما در این نمایشگاه سعی کردم کاملاً خودم را رها کنم و از آن آناتومی دقیق خلاص شوم. در مورد آثار هم واقعاً قصد این را نداشتم که در یک نمایشگاه نمایش‌شان بدهم. همین‌طور برای خودم کار می‌کردم که ببینم چی از آب در می‌آیند. بعداً خوشم آمد و نمایشگاه گذاشتم. زمانی تفاوت دیگران برایم مهم بود اما حالا اصلاً مهم نیست یا بهتر بگویم بیشتر به دنبال نقدهای سازنده هستم تا تأیید. حالا ممکن است این رها شدن، گذر از چارچوب‌های تکنیکال و در برخی موارد محدودکننده باشد شاید هم نه. من در این نمایشگاه خودم را در سادگی خطوط و آناتومی رها کرده‌ام.

—آیا فکر نمی‌کنید این تجربه‌گرایی در روند کاری شما تأثیر منفی بگذارد؟

نه. به نظر من یک نقاش مدام باید تجربه کند و به سمت کشفهای جدید برود. من هم کوشیدم فقط تجربه کنم. دوست ندارم خودم را در دوره‌ای که همه از آن تعریف و تمجید کرده‌اند محصور کنم. ممکن است دفعه بعد کارم به کلی با این نمایشگاه متفاوت باشد. تفاوت‌های خوب هم باعث نمی‌شود من تجربه‌گرایی را کنار بگذارم.

—چرا برای نمایشگاه عنوانی انتخاب نکردید؟

راستش قرار بود عنوانی انتخاب کنم اما به دلایلی منصرف شدم. یکی از دلایلی این بود که فکر می‌کردم با انتخاب عنوان مخاطبم را در آن محدوده محصور می‌کنم. مثلاً اگر ناشر را «هایی» می‌گذاشتم همه در نمایشگاه دنبال رهایی می‌گشتند. در حالی که ممکن است مفاهیم دیگری هم در کارها باشد.

—بیشتر تأکید شما در این نمایشگاه رویکرد اجتماعی بوده یا جنبه‌های دیگری مثل زیبایی فنی و...؟

مطمئناً سعی کردم هر دو را در آثارم لحاظ کنم. من در طراحی‌ها خودم را رها کردم اما در کمپوزیسیون و ساختار کلی اثر، نهایت دقت را داشتم.ام. در واقع من به عنوان یک نقاش در درجه اول با آشنایی به زیبایی‌شناسی اثری را پدید می‌آورم که بتوان از آن به عنوان یک نقاشی نام برد و در قالب این نقاشی‌ها دغدغه‌هایم را بیان می‌کنم. —رنگ غالب نقاشی‌ها سیاه است. آیا مفهوم آنها هم همین‌طور است؟

همیشه آن رنگ‌ها تاریک و منفی‌ای که نسبت به موضوع‌ها دارم با فضای امیدوارکننده‌ای روشن می‌شود که در کارهایم هم نشان می‌دهم. سعی می‌کنم آن امید ذهنی‌ام را در نقاشی‌هایم با استفاده از نشانه‌ها و نمادها و رنگ‌ها نشان دهم. همیشه دوست داشتم ناامیدی و امیدواری کنار هم باشد و صرفاً بینگر تلخی‌ها نباشم. جهان ما جهانی سرشار از تلخی‌ها است اما با تلاش، انسان آنها را به خوشی‌ها بدل می‌سازد. —در برخی کارها آلمان‌های باستانی مثل سنگ قبر باستانی هم دیده می‌شود. چرا از این آلمان‌ها استفاده کرده‌اید؟

